

برابر حملات لفظی مقامات دولتی، آنان را به یک آزمون نه چندان دشوار دعوت کرده‌اند تا به افکار عمومی ثابت کنند می‌توانند کشور را حفاظت کنند.

در روزهای اخیر، تعدادی از نمایندگان حزب‌الله در پارلمان و چهره‌های نزدیک به محور مقاومت خطاب به دولت گفته‌اند که «اگر دولت بر توانایی ارتش برای دفاع از کشور، بدون کمک حزب‌الله، اصرار دارد، حزب‌الله با این موضوع مشکلی ندارد.» در همین راستا، حسن فضل‌الله، عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت، در مراسم تشییع شهدا در جنوب لبنان گفت: «ما از شهر عینا الشعب، شهر عزت و کرامت، اعلام می‌کنیم که مسئولیت اخراج اشغالگران از اراضی اشغالی را به دولت سپرده‌ایم.»

در اظهارنظری دیگر، حسین الجیشی، دیگر عضو این فراکسیون، در مراسم یادبود شهدای نبرد با اشغالگران اسرائیلی در نافوره، با اشاره به پیروزی حزب‌الله بر اسرائیل و ناکام گذاشتن طرح این رژیم برای اشغال نافوره، تأکید کرد که دولت فرصت واقعی دارد تا مسئولیت خود را در اخراج نیروهای اشغالگر از لبنان و بازسازی خرابی‌های جنگ ـ به‌ویژه در روستاها و شهرهای مرزی مجاور سرزمین‌های اشغالی ـ عمل‌آثر عهده‌بگیرد. او از دولت خواست که با جدیت و قاطعیت با حملات و تجاوزات روزه اسرائیل برخورد کند و کشورهایی را که ضامن توافق آتش بس با حزب‌الله هستند تحت فشار قرار دهد تا اجرای مفاد این توافق تضمین شود.

علی خریس، نماینده فراکسیون توسعه و آزادی نیز اظهار داشت: «امروز ما رئیس جمهور جدید و دولت جدید داریم و وظیفه دولت لبنان است که به‌طور مداوم برای واداشتن اشغالگران به عقب‌نشینی از همه سرزمین‌ها و خاک مانا تلاش کند و آنچه دشمن ویران کرده بازسازی کند.»

بی‌تردید، این تاکتیک سیاسی حزب‌الله، شرایط دشواری را پیش‌روی بازیگران داخلی و خارجی قرار می‌دهد. به‌ویژه که علاوه بر افکار عمومی، برای مقامات لبنانی روشن است که غربی‌ها ـ و در رأس آنان آمریکا ـ هرگز اقدامی به نفع لبنان و علیه منافع نامشروع رژیم صهیونیستی انجام نخواهند داد؛ به خصوص که مقامات آمریکایی که اخیراً به لبنان سفر کرده‌اند، آشکارا گفته‌اند که «اسرائیل را به لبنان ترجیح می‌دهند.»

این که لبنان موظف است بر اساس قوانین بین‌المللی و قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل عمل کند جای تردید نیست؛ آمریکانی‌ز لبنان راتحت فشار گذاشته تا این کار را انجام دهد، اما وقتی پای طرف اسرائیلی به میان می‌آید، طرح بارک فقط وعده می‌دهد که آمریکا «تسهیل‌کننده» مبنایج‌گیری با اسرائیل برای عقب‌نشینی این رژیم از «پنج نقطه» در داخل لبنان و توقف درگیری‌ها باشد. زمانی که لبنانی‌ها از بارک پرسیدند آیا اسرائیل در صورت خلع سلاح حزب‌الله عقب‌نشینی کرده و به حملاتش پایان خواهد داد، او به‌صراحت گفت: «هیچ تضمینی وجود ندارد.»

اسرائیل تا به امروز، هدف دست‌کم ۷۸ قطعنامه سازمان ملل بوده است، اما این رژیم هر روز با پوشش «دفاع از خود» قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند و هر کسی که تخلفات آن را یادآوری کند، فوراً به یهودستیزی متهم می‌شود.

منافع دولت عبری

نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، انگیزه‌های بی‌شماری برای طولانی کردن جنگ و توافق آتش بس منتهی به خلع سلاح حزب‌الله داشت که مهم‌ترین آن‌ها تلاش برای وارد آوردن خسارت‌های سنگین به حزب‌الله، پایگاه اجتماعی آن و کشور لبنان است. علاوه بر این، او در پی کسب رضایت متحدانش در جریان راست‌گرای افراطی درائتلاف حکومتی و نیز پاسخ به فشارهای سران شهرک‌های یهودی همجوار مرز لبنان است. اهداف مهم اسرائیل از خلع سلاح حزب‌الله به شرح زیر است:

۱ نتانیاهو بر این باور است که این امر حماس را منزوی و تضعیف می‌کند و آن را وادار خواهد ساخت که به معامله تبادل اسر ابر اساس شرایط اسرائیل تن دهد، بدون آنکه الزاماً جنگ در غزه پایان یابد.

۲ هدف دیگر این است که نقش منطقه‌ای حزب‌الله کاهش یابد و این گروه به یک حزب محلی شبیه دیگر احزاب لبنانی تبدیل شود؛ حزبی که توجیه خود را معطوف به مشکلات داخلی لبنان، مسائل جامعه شیعه و سهم خود در ساختار سیاسی طایفه‌ای لبنان کند.

۳ این امر با تضعیف حزب‌الله، به اسرائیل آزادی عمل می‌دهد تا باعث جدایی حزب‌الله از پرونده فلسطین و حذف یکی از بازوهای مهم مقاومت و تهدید جدی برای ایران شود.

سخن آخر

در شرایط کنونی تل آویو می‌کوشد با مهار دوباره حزب‌الله، این گروه را جایگاه یک نیروی منطقه‌ای به سطح حزبی محلی در لبنان تنزل دهد و با انهدام محورهای اصلی هرم مقاومت یکی پس از دیگری، به ثبات، قدرت و امنیت دست پیدا کند. تلاش برای تضعیف حزب‌الله که پیش‌تر به‌عنوان بازوی بازدارنده محور مقاومت عمل می‌کرد، فضای تاو‌ای برای چنین سناریویی فراهم کرده است. اما در پس این معادلات، ایالات متحده حاضر نیست نقطه‌ایکا و بازوی قدرت خود در خاورمیانه یعنی اسرائیل را از دست بدهد. حفظ امنیت، برتری و نقش اسرائیل برای واشنگتن تنها یک تعهد سیاسی نیست، بلکه بخشی از معماری راهبردی آمریکا در منطقه است.

عبد‌اللطیف دریان، در ۱۵ مارس موضعی صریح گرفته و از رئیس جمهور و دولت جدید حمایت کرده است. در همین حال، عربستان سعودی که بیش از پیش به‌عنوان تعیین‌کننده رویکرد سیاسی اهل سنت لبنان مطرح شده است، موضعی سخت‌تر در قبال مسئله سلاح اتخاذ کرده و بر لزوم محدود کردن سلاح به نیروهای قانونی دولت و پرهیز از ورود به گفت‌وگوهایی که ائتلاف وقت تلقی می‌شود تأکید دارد.

حزب «سوسیالیست ترقی خواه» به رهبری پیشین ولید جنبلاط، نیز صراحتاً اعلام داشته است که نقش نظامی حزب‌الله عمل‌آپس از جنگ اخیر پایان یافته است. جنبلاط از حزب‌الله خواسته که به‌طور کامل از فعالیت نظامی دست بکشد و به فعالیت سیاسی روی آورد و در ساختار دولت ادغام شود. جنبش امل به رهبری نبيه نیر رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ کرده است. بری با دقت فراوان مواضع خود در موضوع سلاح را با ریاست جمهوری هماهنگ می‌کند و محافل نزدیک به امل بر اهمیت پرهیز از هر اقدامی که ممکن است به نفع اسرائیل تعبیر شود، تأکید دارند. با این حال، رهبری امل اذعان دارد که قرار گرفتن تمامی سلاح‌ها تحت اختیار دولت در نهایت با منافع راهبردی این جنبش همسو است؛ تحولی که می‌تواند جایگاه مرکزی امل در میان شیعیان را که با صعود حزب‌الله به قدرت نظامی و سیاسی برتر کاهش یافته، احیا کند.

خلع سلاح حزب‌الله در ازای امتیازات سیاسی در چهارچوب یک توافق داخلی

در ۱۵ آوریل ژوزف عون، رئیس جمهور لبنان، ایده ادغام نیروهای حزب‌الله در ارتش لبنان را مطرح کرد و هرگونه الگویی‌ز امل «احشد الشعبی» عراق را رد کرد. او بر این باور استوار است که هیچ نهاد نظامی نمی‌تواند در موازات دولت وجود داشته باشد. در مقابل، حزب‌الله تأکید دارد که هرگونه راه‌حل باید با پایان اشغال اسرائیل و تدوین راهبردی دفاعی آغاز شود که نقش نظامی این گروه را در آینده تضمین کند.

با این حال، این پیشنهاد با مخالفت جدی جناح‌های سیاسی مسیحی ره‌رو به‌شود که پیوستن نیروهای نظامی ایدئولوژیک را تهدیدی بالقوه برای انسجام ارتش و دکترین نظامی آن و توازن ظرف وفاداری ملی در نیروهای مسلح می‌دانند. با وجود این مخالفت‌ها، رئیس جمهور عون صراحتاً اذعان کرده که در قبال خلع سلاح، به‌طور جدی در آینده نیروهای نظامی حزب‌الله را مورد توجه قرار خواهد داد.

موانع اصلی تحقق سناریوی عون؛

تاخیر در عقب‌نشینی اسرائیل از اراضی لبنان، به‌ویژه از پنج تپه‌ای که هنوز در تصرف خود نگه داشته است.

حمایت نامنظم و غیرثابت جامعه بین‌المللی از ارتش لبنان که توانایی آن را برای اعمال کنترل بر تمامی مناطق لبنان، به‌ویژه مناطق حساس مانند دره بقاع و مرز لبنان و سوریه، تضعیف می‌کند.

حل نشده ماندن مرز زمینی لبنان و اسرائیل و همچنین نبود توقف رسمی درگیری‌ها که حزب‌الله همچنان از آن به‌عنوان دلیلی برای حفظ زرادخانه نظامی خود استفاده می‌کند. احتمال شکست مذاکرات ایران و آمریکا که خطر تشدید تنش‌ها و تبدیل آن به

یک درگیری منطقه‌ای گسترده – به‌ویژه میان اسرائیل و ایران – را افزایش می‌دهد، در چنین شرایطی حزب‌الله ممکن است با استفاده از باقی مانده زراد خانه موشکی خود از تهران حمایت کند.

تاخیر حزب‌الله و تشدید حملات اسرائیل

حزب‌الله ممکن است استراتژی تأخیر و اجتناب را اتخاذ کند، به گونه‌ای که از اقدام عملی برای خلع سلاح پرهیز کرده و زیرساخت‌های نظامی خود را در شمال رود لیتانی حفظ کند. این رویکرد احتمالاً موجب تشدید حملات گسترده اسرائیل خواهد شد. ارتش اسرائیل ممکن است حملات هوایی خود را علیه مواضع و زیرساخت‌های حزب‌الله در جنوب و شمال رود لیتانی شدت بخشد. با هدف کاهش توانمندی‌های نظامی حزب‌الله بدون انتظار برای نتایج گفت‌وگوهای داخلی لبنان. داده‌های میدانی نشان می‌دهد که اسرائیل هم‌اکنون سیاست «حملات پیشگیرانه مستمر» را دنبال می‌کند و راکت اندازها و ابزارهای تسلیحاتی حزب‌الله را هدف قرار می‌دهد.

فاز دوم این سناریو عمدتاً به روند مذاکرات ایران و آمریکا بستگی خواهد داشت. تحولات مثبت می‌تواند شانس حل و فصل خلع سلاح حزب‌الله را افزایش دهد. تحلیلگران غربی تصور می‌کنند پیشرفت در این زمینه می‌تواند مسیر رسیدن به یک اجماع داخلی لبنانی، با پشتیبانی بازیگران بین‌المللی، درباره شروط خلع سلاح حزب‌الله را هموار کند.

تاکتیک هوشمندانه حزب‌الله: «انداختن توپ در زمین دولت»

این روزها مطالبه جدی مردم لبنان برای عقب‌نشینی اسرائیل از پنج منطقه استراتژیک باقی مانده در داخل خاک لبنان، پس از پایان توافق آتش بس، شدت گرفته است. افکار عمومی به شدت نگران است که این مناطق به سرنوشت سایر اراضی اشغالی لبنان مانند «مزارع شبعا و تپه‌های کفر شوبا» دچار شود و خواهان اقدام جدی رهبران سیاسی برای مقابله با اشغال اسرائیل هستند.

در این شرایط، حزب‌الله و بدنه مقاومت ـ که در سال‌های گذشته به تنهایی بار ناتوانی ارتش لبنان و خلأ قدرت در دفاع از تمامیت ارضی و جان، مال و ناموس شهروندان لبنانی در برابر تهدیدات و تجاوزات رژیم صهیونیستی را بر دوش کشیده‌اند ـ اکنون در

در پی فشار بی‌امان آمریکا در سطح مواضع رسمی لبنان، ژوزف عون، در دیدار اخیرش با اورنگاس، ناگزیر شد آشکارا اذعان کند که «سلاح‌های حزب‌الله نمی‌تواند برای همیشه باقی بماند.» و «هرگونه تلاش برای انجام این کار با زور یا به شکلی که صلح داخلی را تهدید کند، ممکن است به جنگ داخلی منجر شود.»

موضع بازیگران لبنانی

ریاست جمهوری و دولت

ژوزف عون، رئیس جمهور، اعلام کرده است که «تصمیم برای انحصار کامل سلاح در دست دولت اتخاذ شده است.» به‌طور مشابه، نخست‌وزیر نواف سلام، نیز تأکید کرده که تنها دولت مجاز به در اختیار داشتن سلاح و تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح است. با وجود افزایش لحن تند، حزب‌الله از انتقاد مستقیم به رئیس جمهور یا زیر سؤال بردن نیت‌های او خودداری کرده است. در عوض، این گروه آمادگی خود را برای گفت‌وگوی آینده با ریاست جمهوری – که به ابتکار نبيه نیر، رئیس پارلمان، هماهنگ می‌شود – ابراز کرده است. در همین حال، دفتر نخست‌وزیری – که معمولاً به‌عنوان نماینده اصلی جامعه سنی در لبنان شناخته می‌شود ـ در این موضوع راهبردی فاصله خود را حفظ کرده و عملاً اختیار عمل بیشتری به ریاست جمهوری در مدیریت این چالش حساس و پیچیده داده است.

نیروهای سیاسی مسیحی

حزب «نیروهای لبنانی» به رهبری سمیر جعجع، به‌طور مداوم خواستار خلع سلاح فوری حزب‌الله – حتی با زور – شده و گفت‌وگو را رد می‌کند و هرگونه تمایز بین مناطق شمال و جنوب رود لیتانی را بی‌اساس می‌داند. جعجع شکاف با حزب‌الله را «شکاف عمیق ایدئولوژیک» توصیف کرده و بر بازگشت به شرایط آتش بس و اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی، به‌ویژه قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل، با فشاری دارد. لحن روزافزون تقابلی جعجع – به‌ویژه در برابر ریاست جمهوری – ناشی از تلاش او برای تثبیت نفوذ سیاسی اش در شرایط تغییر موازنه‌های ملی است. این رویکرد پس از دیدار اختصاصی او با فرستاده آمریکایی، اورتاگوس، در سفر اخیرش به لبنان که بدون حضور سایر رهبران سیاسی برگزار شد، تقویت شد.

در همین حال، طیف گسترده‌تری از نیروهای سیاسی مسیحی – از حزب کثائب لبنان گرفته تا تجران میهنی آزاد، جنبش المرده و حتی پاتریارک مارونی – هر چه بیشتر با موضع ریاست جمهوری همسو شده‌اند. تغییر موضع جریان میهنی آزاد و جنبش المرده به‌ویژه حائز اهمیت است، زیرا این دو در گذشته نقش مهمی در تأمین پوشش سیاسی و فرقه‌ای برای زرادخانه حزب‌الله داشتند ـ پوششی که اکنون آسیب دیده است. جوزف داهر، نویسنده کتاب «حزب‌الله: اقتصاد سیاسی حزب خدا»، گفت: «این روند با نحوه‌ای که در حال پیش رفتن است بسیار خطرناک است. در واقع باعث تثبیت و حتی پشتیبانی گسترده‌تر بخش‌های جامعه شیعه لبنان از امل و حزب‌الله می‌شود، به جای اینکه به انسجام ملی بینجامد.»

دکتر مکرم رباح، سردبیر (NOW Lebanon) و پژوهشگر دانشگاه آمریکایی بیروت، نوشت که بحث درباره سلاح‌های حزب‌الله دیگر سیاسی نیست بلکه وجودی است.

نیروهای سیاسی اسلامی

«حزب‌الله»: از طریق دبیرکل خود، خط قرمزی قاطع در موضوع خلع سلاح ترسیم کرده است. شیخ نعیم قاسم به‌صراحت اعلام کرده که این حزب «به هیچ‌کس اجازه نخواهد داد مقاومت را خلع سلاح کند. این همان سلاحی است که آزادی را به ملت ما بازگرداند و وطن ما را آزاد کرد و ما با هر کسی که به مقاومت حمله کند، همان‌گونه که با اسرائیل مقابله کردیم، روبه‌رو خواهیم شد.»

محمد رعد، نماینده حزب‌الله در پارلمان گفت: «این گروه ترجیح می‌دهد بمیرد تا اینکه سلاح‌هایش را تسلیم کند. او افزود که سلاح‌های حزب‌الله مایه افتخار آن است. هواداران حزب‌الله برای فشار بر دولت، به خیابان‌ها رفتند، اما ارتش به سرعت آنان را متفرق کرد.» شیخ احمد قبتالان، مفتی شیعیان لبنان و بالاترین مرجع مذهبی شیعیان گفت: «سلاحی که لبنان را بازگرداند، مقدس‌ترین سلاح‌هاست» و هشدار داد که تسلیم آن «بسیار خطرناک و به لبنان، نظام سیاسی و وجود آن آسیب می‌زند». تلاش‌ها برای خلع سلاح حزب‌الله «بازی با آتش» است و گفت: «اشتباه درباره سلاح‌های مقاومت بزرگ‌تر از لبنان و منطقه است» و «چیزی برای از دست دادن باقی نخواهد ماند.»

شیخ نعیم قاسم با استدلال اینکه خلع سلاح حزب‌الله، لبنان را در برابر اسرائیل بی‌دفاع خواهد کرد، گفت: «کسانی که خواستار تحویل سلاح هستند، عملاً خواستار تحویل آن به اسرائیل هستند. ما هرگز به اسرائیل تسلیم نخواهیم شد. و سه اصل غیرقابل مذاکره را برای هرگونه گفت‌وگوی آتی برشمرد:

۱ توقف کامل همه اشکال تجاوز اسرائیل؛

۲ ادغام سلاح مقاومت در یک راهبرد دفاع ملی با هدف آزادسازی تمام اراضی لبنان؛

۳ رد هر ابتکاری که ممکن است لبنان را تضعیف کرده یا به آنچه حزب‌الله «تسلیم شدن در برابر اسرائیل» می‌نامد، منجر شود.

با این حال، یک معضل اساسی برای حزب‌الله، نبود یک معامله سیاسی مشخص است که دولت لبنان بتواند در ازای خلع سلاح به این حزب ارائه دهد.

با وجود نبود موضع واحد در میان نیروهای سنی لبنان، مفتی اعظم لبنان، شیخ